

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد

تالیف:

وهاب قلیچ

بامقدمه:

دکتر کامران ندیری



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۷
<b>فصل ۱. کلیات.....</b>	<b>۱۹</b>
۱-۱. ضرورت انجام تحقیق.....	۱۹
۲-۱. اهداف تحقیق.....	۲۰
۳-۱. سؤال‌های اصلی تحقیق.....	۲۰
۴-۱. ادبیات موضوع و سابقه تحقیق.....	۲۱
۵-۱. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق.....	۲۴
۶-۱. روش انجام تحقیق.....	۲۴
۷-۱. فرضیه‌های تحقیق.....	۲۵
۸-۱. تقسیم‌بندی و معرفی فصل‌های تحقیق.....	۲۵
یادداشت‌ها.....	۲۸

۳۱	فصل ۲. عدالت اقتصادی و توزیع درآمد
۳۲	۱-۲. عدالت اقتصادی
۳۲	۱-۱-۲. دسته‌بندی‌های نظریات عدالت اقتصادی
۳۶	۲-۱-۲. عدالت اقتصادی از دیدگاه اندیشمندان
۳۶	۲-۱-۲-۱. عدالت اقتصادی از دیدگاه برخی از اندیشمندان غیرمسلمان
۵۰	۲-۱-۲-۲. عدالت اقتصادی از دیدگاه برخی از اندیشمندان اسلامی
۶۰	۲-۲. توزیع درآمد
۶۰	۱-۲-۲. تعریف
۶۲	۲-۲-۲. اهمیت توزیع عادلانه درآمد
۶۳	۳-۲-۲. معیارهای توزیع درآمد
۶۳	۱-۳-۲-۲. معیارهای مبتنی بر شایستگی و لیاقت
۶۴	۲-۳-۲-۲. معیارهای مبتنی بر مطلوبیت
۶۶	۳-۳-۲-۲. معیارهای مبتنی بر مساوات
۶۸	۴-۲-۲. نظریات توزیع درآمد
۶۸	۱-۴-۲-۲. نظام سرمایه‌داری
۷۷	۲-۴-۲-۲. نظام سوسیالیسم
۷۹	۵-۲-۲. توزیع عادلانه درآمد از دیدگاه اسلام
۷۹	۱-۵-۲-۲. نقد و بررسی معیارهای مطرح شده
۸۵	۲-۵-۲-۲. معیارهای توزیع عادلانه از دیدگاه اسلام
۹۷	۳-۵-۲-۲. نظام توزیع از دیدگاه اسلام
۱۰۶	جمع‌بندی
۱۰۹	یادداشت‌ها

۱۲۱	فصل ۳. نقش و اندازه دولت در توزیع درآمد در اقتصاد متعارف
۱۲۱	۱-۳. دخالت دولت
۱۲۱	۱-۱-۳. تعریف
۱۲۲	۲-۱-۳. گستره دخالت دولت در مکاتب اقتصادی

## فهرست مطالب □ ۷

۱۳۳	۲-۳. نابرابری درآمدی .....
۱۳۶	۱-۲-۳. نابرابری در توزیع عمومی درآمدها .....
۱۴۰	۲-۲-۳. عوامل نابرابری‌های درآمدی .....
۱۵۳	۳-۳. نقش و اندازه دولت در نظام توزیع درآمد .....
۱۶۰	جمع‌بندی .....
۱۶۳	یادداشت‌ها .....
۱۶۹	فصل ۴. دولت اسلامی و توزیع عادلانه درآمد .....
۱۷۰	۱-۴. گستره دخالت دولت در نظام اقتصادی اسلام .....
۱۷۰	۱-۱-۴. اهداف اقتصادی دولت اسلامی .....
۱۷۴	۲-۱-۴. مبانی نظری دخالت دولت اسلامی در اقتصاد .....
۱۷۷	۳-۱-۴. سه حیطه کلی برای دخالت دولت .....
۱۸۱	۲-۴. اسلام و نابرابری‌های توزیع درآمد .....
۱۸۳	۳-۴. نقش دولت اسلامی در نظام توزیع .....
۱۸۸	۴-۴. اقدامات و سیاست‌های دولت اسلامی جهت برقراری توزیع عادلانه درآمد .....
۱۸۹	۱-۴-۴. توزیع قبل از تولید .....
۱۹۲	۲-۴-۴. توزیع پس از تولید .....
۲۰۴	۳-۴-۴. توزیع مجدد .....
۲۱۶	۵-۴. اثرات تغییرات اندازه دولت در بُعد تصدیگری بر توزیع درآمد .....
۲۱۹	جمع‌بندی .....
۲۲۱	یادداشت‌ها .....
۲۳۳	فصل ۵. شاخص‌های توزیع درآمد و شاخص‌های اندازه‌گیری اندازه دولت .....
۲۳۴	۱-۵. شاخص‌های توزیع درآمد .....
۲۳۵	۱-۱-۵. منحنی لورنز .....
۲۳۶	۲-۱-۵. ضریب جینی .....
۲۳۸	۳-۱-۵. شاخص هرفیندال .....

## ۸ □ دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد

۲۳۹	..... ۴-۱-۵. انترویجی تعمیم یافته
۲۴۱	..... ۵-۱-۵. نسبت پراکندگی (نابرابری)
۲۴۲	..... ۶-۱-۵. سهم مصرف فقرا
۲۴۲	..... ۷-۱-۵. شاخص های اتنو- فریکی
۲۴۳	..... ۸-۱-۵. شاخص های نابرابری آتکینسون
۲۴۴	..... ۲-۵. شاخص های اندازه گیری اندازه دولت
۲۴۵	..... ۱-۲-۵. شاخص های نقش تصدیگری دولت
۲۴۵	..... ۱-۱-۲-۵. تشکیل سرمایه گذاری ثابت ناخالص بخش دولتی
۲۴۸	..... ۲-۱-۲-۵. اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌های (پرداخت های عمرانی دولت)
۲۵۰	..... ۲-۲-۵. شاخص های نقش حاکمیتی دولت
۲۵۲	..... ۱-۲-۲-۵. هزینه مصرف پایانی (نهایی) دولت
۲۵۶	..... ۲-۲-۲-۵. پرداخت های جاری دولت
۲۵۷	..... ۳-۲-۲-۵. میزان درآمدهای مالیاتی دولت
۲۵۸	..... جمع بندی
۲۶۰	..... یادداشت ها

۲۶۳	..... فصل ۶. تحلیل رگرسیونی اثرات تعدیل اندازه دولت بر شاخص های توزیع درآمد
۲۶۴	..... ۱-۶. روش شناسی تحقیق
۲۶۴	..... ۱-۱-۶. آزمون ریشه واحد
۲۶۶	..... ۲-۱-۶. همگرایی متقابل (هم جمعی)
۲۶۷	..... ۳-۱-۶. مدل تصحیح خطا
۲۶۸	..... ۴-۱-۶. مدل تحقیق: ARDL
۲۶۸	..... ۲-۶. معرفی دادهها
۲۷۷	..... ۳-۶. یافته های تحقیق
۲۷۷	..... ۱-۳-۶. آزمون ریشه واحد متغیرها
۲۷۹	..... ۲-۳-۶. برآورد مدل
۲۹۹	..... جمع بندی
۳۰۲	..... یادداشت ها



فهرست مطالب □ ۹

۳۰۳	فصل ۷. جمع بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها.....
۳۰۹	پیشنهادها.....
۳۱۳	پیوست‌ها.....
۳۱۳	پیوست الف.....
۳۲۴	پیوست ب.....
۳۳۱	پیوست ج.....
۳۹۷	منابع و مآخذ.....



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

از جمله پرسش‌های اساسی که تمامی نظام‌های سیاسی در حوزه مدیریت راهبرد اقتصاد ملی به آن مواجه هستند، نحوه و نظام توزیع درآمد می‌باشد، به گونه‌ای که ضمن تحقق اهداف مکان ناشی از توزیع درآمد در حوزه اقتصاد بتواند اصول موضوعه و اولیه آنها را در عرصه‌های فرهنگ و سیاست نیز تقویت نماید. به همین دلیل می‌باشد که معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) سؤال از نظام توزیع درآمد در دولت اسلامی را در دستور کار خود قرار داده و تلاش نموده با استفاده از نظریه‌های علمی موجود و اصول اولیه گفتمان اسلامی برای آن پاسخی درخور بیابد.

ناشر ضمن تقدیر از محقق محترم و اساتید ارجمندی که وی را در انجام این پژوهش یاری رسانیده‌اند؛ خرسند است تا نتایج یکی از تحقیقات کاربردی صورت گرفته در این حوزه را تقدیم علاقه‌مندان - اعم از محققان و مدیران اجرایی این بخش - نماید. اگر چه نتایج پژوهش‌ها می‌تواند مورد نقد علمی و منصفانه کارشناسان قرار گیرد و از این طریق ارتقاء یابد؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که فرآیند علم تدریجی می‌باشد. بنابراین ناشر امید دارد یافته‌های اثر حاضر بتواند گامی - هر چند کوچک اما مؤثر - در توسعه نظری و تقویت سیاست اجرایی دولت اسلامی بردارد. برای این منظور ناشر همچون قبل از دریافت و نشر آثار تکمیلی - با نگاه اسلامی و بومی - استقبال می‌نماید.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



## مقدمه

گسترش فعالیت‌های اقتصادی دولت می‌تواند مشکلات زیادی را ایجاد کند. عواملی چون فقدان انگیزه کاری، بوروکراسی شدید و مشکل آفرین، استفاده نامطلوب از انحصارات، ضعف مدیریت، تغییرات سریع در مدیریت‌ها، فقدان مکانیزم صحیح پاداش و کیفر، پرداخت غیرهدفمند یارانه‌ها و حمایت‌های غیر اقتصادی از صنایع و ... باعث شکست نظریه دخالت دولت در اقتصاد و مطرح شدن سیاست‌های کوچک‌سازی دولت در جهان گردید.

گرچه در دوران پیش از انقلاب کینزی نیز به کوچک شدن دولت در ادبیات اقتصاد کلاسیک اشارات فراوانی شده بود؛ اما گرایش شدید به کوچک‌سازی دولت و تأکید بر انزوای دولت در عرصه بنگاهداری اقتصادی، تنها رویدادی بود که پس از ناکامی‌های اقتصادی دولت‌ها به طور ملموس در جهان احساس می‌شد و «کوچک‌سازی دولت» تنها اصطلاحی بود که در ربع انتهایی قرن بیستم با سرعت خیره‌کننده‌ای در بین اندیشمندان و اقتصاددانان دنیا مورد استفاده قرار گرفت.

شاید در این بین سؤالاتی از این دست که آیا کوچک‌سازی دولت به طور مطلق باید صورت پذیرد؟ آیا نقش حاکمیتی و سیاستگذاری دولت‌ها نیز باید کوچک شود؟ و آیا کوچک‌سازی دولت، محدود و محصور به تقلیل نقش تصدی‌گری و بنگاهداری اقتصادی

است؟ بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اما به هر تقدیر به نظر می‌آید، نوبت آن فرا رسیده است که دولت پای خود را از بسیاری از حیطه‌ها کنار کشیده و توجه خود را تنها معطوف به تصمیم‌سازی‌ها و سیاستگذاری‌ها نماید.

اما در ایران با تاخیری چندین ساله که بیشتر به علت استقرار حکومتی نوپا بر اثر پیروزی باشکوه انقلاب اسلامی و نیز تحمیل هشت سال جنگ نابرابرانه و طاقت‌فرسا با قدرت‌های بزرگ دنیا به نمایندگی عراق بود، مباحث کوچک‌سازی دولت خیلی دیر مورد توجه قرار گرفت. جنگ تحمیلی که رمق اقتصاد ملی را گرفته و بسیاری از فرصت‌های طلائی رشد و توسعه کشور را تباه نموده بود؛ منجر به آن شد که چرخش چرخ‌های اقتصاد کشور، وابستگی فزاینده‌ای به حضور دولت در تمامی زمینه‌ها پیدا نماید. از این رو بود که با وقفه‌ای چند ساله نسبت به جریان حاکم در جهان، سرانجام در تبصره ۳۲ قانون برنامه اول توسعه برای اولین بار به موضوع خصوصی‌سازی و کاهش اندازه دولت توجه شد.

پس از اتمام جنگ تحمیلی و از سال ۱۳۶۹ اقدامات اولیه برای شناسایی شرکت‌های قابل واگذاری انجام گرفت و در سال ۱۳۷۰ واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی آغاز شد. گرچه تعدیل اندازه دولت در دهه ۱۳۷۰ روند بسیار کندی داشت، اما در دهه ۱۳۸۰ دو اقدام این حرکت را رونق بخشید؛ تأسیس سازمان خصوصی‌سازی در خرداد سال ۱۳۸۰ اولین اقدام در این زمینه بود. گام دوم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دو مرحله توسط مقام معظم رهبری در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بود که بسیاری از موانع را برای تعدیل اندازه دولت بر طرف می‌نمود.

از سوی دیگر می‌دانیم که مقوله عدالت اقتصادی که بعضاً در عدالت توزیعی خلاصه می‌شود از مهمترین وظایف هر دولتی است. عدالت اقتصادی مفهومی بسیار عام و بسیط دارد که نظریه‌پردازان و اندیشمندان هر یک به مقتضای فضای فکری خود به آن توجه کرده‌اند. در این بین توزیع عادلانه و مناسب درآمد یکی از معیارهای ملموس و عینی برای عدالت اقتصادی است که غالب متفکرین این حوزه بر آن اتفاق نظر دارند.

وظایف هر دولتی ریشه در اهداف و آرمان‌های مکتب فکری و جهان‌بینی‌ای دارد که دولت از آن برخاسته و اولویت‌ها و نحوه عملیاتی کردن سیاست‌ها نیز از اهداف و آرمان‌های آن مکتب سرچشمه می‌گیرند. اجرای عدالت گرچه، گامی بلند و عالی بوده که برای هر دولتی حائز اهمیت است، ولیکن در یک دولت اسلامی بنابر اهدافی که نظام اسلامی برای آن مقرر داشته است، به مراتب بیشتر از دیگر دولت‌ها مورد توجه و تقاضا می‌باشد.

در اکثر کشورها برای تعدیل اندازه دولت، اهداف گوناگونی مطرح می‌شود، که غالباً در این میان افزایش کارایی، هدف اصلی تعدیل اندازه دولت برشمرده شده است. اما آنچه در این بین کمتر به آن بها داده شده است، اثرگذاری اندازه دولت در تحقق عدالت توزیعی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های عدالت اقتصادی است که غفلت از این مهم در سیاستگذاری‌های دولت ممکن است به تبعات سوئی چون افزایش احساس محرومیت، افزایش ناهنجاری‌ها، کاهش انگیزه‌ها و ... منجر گردد.

همچنین با توجه به اصول و مبانی وظایف دولت در یک نظام اسلامی، در می‌یابیم که اصل تحقق عدالت اقتصادی و در ذیل آن توزیع عادلانه درآمد، جزو اصلی‌ترین الزامات سیاستی و عملکردی یک دولت اسلامی است؛ از این رو لازم است که نه تنها اندازه دولت بلکه تمامی وظایف، سیاست‌ها و عملکردهای دولت در راستای تحقق عدالت در جامعه قرار گیرد.

با بررسی تحقیقاتی که تا کنون انجام پذیرفته است در می‌یابیم که اثرات اندازه دولت و تعدیل آن بر مواردی چون رشد اقتصادی و تأمین فضای رقابتی، بارها و بارها با پیش‌فرض‌های گوناگون مورد تحلیل و بررسی محققین و پژوهشگران واقع شده است. اما اهمیت این نکته که میزان دخالت دولت در اقتصاد از ناحیه دو بُعد حاکمیتی و تصدیگری، چه اثراتی بر نحوه توزیع درآمد در جامعه به عنوان یکی از جنبه‌های عدالت اقتصادی، بر جای می‌گذارد، بررسی دقیق این موضوع را ضروری ساخته است.

اثر حاضر سعی دارد تا با استمداد از منابع ارزشمند اسلامی چون قرآن کریم، روایات، تفاسیر عالمان جهان تشیع و ... و همچنین با استفاده از نتایج و دستاوردهای

اقتصاد متعارف، نوع و میزان این اثرگذاری‌ها را کشف نموده و ایده‌آل‌ترین نوع ورود دولت به عرصه اقتصاد را که به بهبود نظام توزیع درآمد منجر می‌شود، معرفی نماید.

و من الله التوفیق

دکتر کامران ندری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



## پیشگفتار

این اثر که برگرفته از متن پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد اینجانب در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) است، ضمن توجه به منابع غنی اسلامی و نیز دستاوردهای علمی اقتصاددانان متعارف و اقتصاددانان مسلمان سعی در پیوند دو مورد از مهمترین مقولات اقتصادی در دهه‌های اخیر یعنی «نقش و اندازه دولت» و «توزیع درآمد» نموده است.

هدف مجموعه پیش‌رو، شناسایی و معرفی اقدامات و سیاست‌های لازم دولت اسلامی، جهت کاهش سطوح نابرابری‌های درآمدی و برقراری توزیع عادلانه درآمد در جامعه است. این مجموعه با بیانی از مفاهیم و معیارهای عدالت توزیعی، و جایگاه و نقش دولت در اقتصاد، اثرات تعدیل اندازه دولت در دو بُعد حاکمیتی و تصدیگری را بر شاخصهای منتخب توزیع درآمد مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

محجوریت قرآن کریم و ادله روائی در تحقیقات و پژوهش‌های رشته علوم انسانی امری است که به هیچ‌وجه زینده جامعه علمی و دانشگاهی کشور نیست. از این‌رو تلاش ما بر آن بوده که در مباحث اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های علوم انسانی- اسلامی تا حد امکان از نص صریح قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و تفاسیر گرانقدر فقهای عظیم‌القدر شیعی استفاده کرده و با استمداد از این بیانات قدسی هدف اصلی تحقیق را تعقیب نماییم.

لازم به ذکر است، آنچه در این تحقیق به عنوان مباحث اقتصادی از دیدگاه اسلام بیان می‌شود، صرفاً برداشت ما بوده و انتساب آن به شریعت مقدس اسلام از استنباط و فهم شخصی ما به دست آمده است. همچنین امیدواریم این تلاش در مسیر حق بوده و رضایت خداوند متعال، و نگاه پرخیر و برکت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ﷺ) و ائمه هدی المعصومین (علیهم‌السلام)، قرین این فعالیت علمی قرار گیرد.

در اینجا جا دارد از زحمات فراوان و بی‌دریغ جناب آقایان دکتر کامران نادری، دکتر مهدی صادقی شاهدانی و دکتر احمد توکلی که راهنمایی‌های مؤثرشان در تدوین این مجموعه راهگشا بوده و همچنین معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) که زمینه نشر و ارائه این اثر را فراهم نموده است صمیمانه تقدیر و تشکر کرده و برای ایشان از خداوند منان، طلب توفیقات روزافزون نماییم.

این اثر تقدیم می‌شود به محضر پرشوکت و مبارک نور چشم عالمیان، اباصالح المهدی حضرت حجه بن الحسن العسکری (علیه‌السلام) و روان پاک و مقدس شهدای گمنام مکتب اسلام که نام و جان خود را در راه حق و حقیقت مخلصانه تقدیم داشته‌اند.

والسلام

وهاب قلیچ

پاییز ۱۳۸۹ هجری شمسی



## کلیات

در این فصل ضرورت انجام تحقیق، اهداف، سؤالات اصلی، ادبیات موضوع، جنبه‌های نوآوری، روش انجام تحقیق و فرضیه‌های تحقیق و در نهایت فصل‌بندی موضوعات بیان می‌شود.

### ۱-۱ ضرورت انجام تحقیق

در آستانه شروع دهه چهارم از عمر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، مباحث مختلفی در حوزه اقتصاد کشور وجود دارد که التفات به آنان، چشم‌انداز اقتصاد ملی را به وجود می‌آورند. مباحثی چون لزوم اصلاح ساختارهای اقتصادی، نظام یارانه‌ها، نظام مالیاتی، نظام پولی و بانکی، نظام توزیع کالا و خدمات، توجه به مباحثی چون ارتقای کارایی و بهره‌وری اقتصادی، رشد کارآفرینی و اشتغال‌زایی، کاهش نرخ تورم، کاهش وابستگی درآمدهای ملی و بودجه کشور به دلارهای نفتی و ... از جمله مواردی هستند که در دهه پیش رو در رأس امور و برنامه‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی کشور قرار گرفته‌اند.

گرچه کلیه این مباحث از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای رشد و شکوفایی اقتصاد ملی برخوردار هستند، اما در این میان دو بحث عمده وجود دارد که می‌توان از آنان به عنوان دو چشم‌انداز بزرگ اقتصادی در کشور یاد نمود.

برقراری عدالت اقتصادی از یکسو و نیز کوچک‌سازی اندازه دولت و اجرائی کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دیگر دو مبحثی است که اهمیت اجرائی شدن آنان بر هیچ کسی پوشیده نیست و بی‌شک از مهمترین الزامات اقتصادی کشور در سالیان آتی خواهد بود.

از این‌رو ضرورت تحلیل نحوه و اثرات تعدیل اندازه دولت در توزیع درآمد، در این برهه از زمان لازم می‌نماید.

### ۲-۱. اهداف تحقیق

این تحقیق چند هدف مقدماتی و یک هدف اصلی را تعقیب می‌نماید. از اهداف مقدماتی این تحقیق بازشناسی مفهوم عدالت توزیعی در افکار و آراء اندیشمندان غیراسلامی و اسلامی، معرفی سابقه دخالت دولت در مکاتب اقتصادی، کشف و بازشناسی عوامل شکل‌دهنده و تشدیدکننده نابرابری‌های درآمدی در جامعه است، همچنین استخراج معیارها و اصول توزیع عادلانه درآمد از منابع فقهی و قرآنی نظام اقتصاد اسلامی، تعیین گستره دخالت دولت در اقتصاد اسلامی، معرفی شاخص‌های توزیع درآمد و تعیین شاخص‌هایی برای تفکیک اندازه حاکمیتی و تصدیگری دولت در اقتصاد از دیگر اهداف مقدماتی این تحقیق است.

هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و معرفی اقدامات و سیاست‌های لازم دولت اسلامی (که معطوف به اندازه دولت بوده)، جهت کاهش سطوح نابرابری‌های درآمدی و برقراری توزیع عادلانه درآمد در جامعه و همچنین تحلیل نظری و نیز رگرسیونی اثرات تعدیل اندازه دولت در دو بُعد حاکمیتی و تصدیگری بر شاخص‌های منتخب توزیع درآمد است.

### ۳-۱. سؤال‌های اصلی تحقیق

در تحقیق پیش رو به دنبال یافتن پاسخ به دو سؤال اصلی خواهیم بود:

اول. جایگاه دخالت دولت و مجاری اثرگذاری آن در شکل‌گیری توزیع عادلانه درآمد در نظام اقتصادی اسلام چیست؟  
دوم. تعدیل اندازه دولت در ایران در دو بُعد حاکمیتی و تصدیگری طی سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۸۵ چه اثراتی بر شاخص‌های توزیع درآمد، برجای گذاشته است؟

#### ۱-۴. ادبیات موضوع و سابقه تحقیق

گرچه در زمینه بررسی و تبیین رابطه اندازه دولت در اقتصاد (به تفکیک نقش حاکمیتی و تصدیگری) و عدالت توزیعی، تحقیقات چندانی صورت نپذیرفته است، ولیکن در این قسمت سعی می‌شود به اهم پژوهش‌هایی که تا حدی با موضوع مورد بحث ما مرتبط هستند، اشاره شود:

عطوفی نیا<sup>۱</sup>، در تحقیق خود پس از ارائه بحثی پیرامون مفهوم و جایگاه دولت، تاریخچه‌ای از سابقه دخالت دولت در ایران بیان داشته و سپس به تعریف و شاخص‌های اندازه دولت پرداخته و با تحلیل‌های رگرسیونی اثرات این اندازه را بر روی رشد اقتصادی ایران بررسی نموده و کوچک‌سازی اصولی دولت در ایران را توصیه نموده است. او در این تحقیق از اثرگذاری اندازه دولت بر نحوه توزیع درآمد سخنی به میان نیاورده است.

بخشایش<sup>۲</sup> در تحقیق خود، پس از بیان تعریف و جایگاه عدالت اقتصادی در اندیشه مکاتب مختلف به بررسی این موضوع در اسلام پرداخته و پس از بیان جایگاه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع درآمد، در انتها به رابطه رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد از منظر اسلام می‌پردازد. وی بدون آنکه توجه خاصی به نقش و اندازه دولت داشته باشد، شیوه توزیع درآمد و ثروت در اسلام را مورد بررسی قرار داده است.

امانی<sup>۳</sup> در تحقیقش به بررسی جایگاه عدالت اقتصادی در مکتب سرمایه‌داری، مکتب سوسیالیسم و نظام اقتصادی اسلام پرداخته و پس از بیان مباحثی فقهی، منابع مالی دولت برای تأمین عدالت را شرح داده و در انتها به مقوله کارائی و عدالت پرداخته است.

در پژوهش سجادی<sup>۴</sup> در ابتدا به پیشینه وضعیت اقتصادی ایران و برنامه اول توسعه پرداخته شده و سپس سیاست تعدیل اقتصادی به طور مفهومی و با بیان اهداف شرح داده شده و در ادامه با بیانی از عدالت اجتماعی به سیاست تعدیل در وضعیت عدالت اجتماعی طی برنامه اول توسعه توجه شده است. همچنین در انتهای این بررسی، بر روی درآمد سرانه، الگوی مصرف و درآمد خانوار، مسکن و اشتغال تمرکز گردیده است.

پيله فروش<sup>۵</sup> در تحقیق خود بیان داشته است که یک نظریه مناسب عدالت اقتصادی باید هر سه معیار نیاز، کارآمدی و مسئولیت فردی را به طور ترکیبی در بر بگیرد و ما برای اندازه گیری نظریات ترکیبی عدالت، ناگزیر به استفاده از یک شاخص ترکیبی هستیم. وی در ادامه به بررسی شاخص های عدالت، پرداخته و با تبیین شاخص ترکیبی، آن را جهت سنجش عدالت اقتصادی در استان قزوین مورد استفاده قرار داده است. پيله فروش اشاره خاصی به نقش و اندازه دولت و اثر آن بر عدالت اقتصادی ننموده است.

از دیگر تحقیقات صورت پذیرفته، تحقیق پروین و زیدی<sup>۶</sup> است که در آن به بررسی اثرات سیاست های تعدیل (برنامه اول توسعه) بر توزیع درآمد پرداخته شده است. همچنین احمدی و مهرگان<sup>۷</sup> در تحقیق مشابهی این اثرات را برای دوره زمانی ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹ مورد آزمون قرار داده اند. از سوی دیگر داودی و براتی<sup>۸</sup> با بررسی آثار سیاست های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران به کمک یک شبیه سازی خرد، دست به برآورد یک مدل سنجی اقتصاد کلان زده اند.

نتایج به عمل آمده از این پژوهش ها، نشانگر آن است که سیاست گذاری های دولتی به شدت در بهبود و یا تضعیف نظام توزیع درآمد مؤثر هستند.

در خارج از کشور نیز برگستروم<sup>۹</sup> (Bergstrom) طی پژوهشی نظری نشان داد چگونه مخارج دولتی می تواند منافع گسترده ای را برای عده ای محدود ببار آورد و هزینه اش را بر دیگران تحمیل نماید و از این طریق دولت خود مسبب تغییرات نامناسب توزیع ثروت در جامعه بشود.

هیکس و اسونک<sup>۱۰</sup> (Hicks & Swank) ابعاد توزیع مجدد حاکمیتی را در چارچوب نظام سرمایه داری مورد بحث قرار دادند. این دو تن با مطالعه شواهد تاریخی ساختار

دموکراتیک بخش عمومی و نقش حاکمیتی آن را در چگونگی بهبود نظام توزیع از مسیر بازتوزیع درآمدها به تصویر کشیده‌اند.

بالن و جکمن<sup>۱۱</sup> (Bollen & Jackman) طی پژوهشی از بعد سیاسی-اجتماعی نقش حاکمیتی دولت را در توزیع درآمد کنکاش نموده‌اند. آنان با استفاده از مدل 2S.L.S و 2S.L.S وزنی (Weighted 2S.L.S) بیان داشتند که هیچ دلیل متقنی مبنی بر اثرات مستقیم بخش عمومی دموکرات بر نابرابری‌های درآمدی یافت نگردیده است.

بلجر و گیررو<sup>۱۲</sup> (Blejer & Guerrero) با مطالعه تجربی متغیرها و سیاست‌های کلان اقتصاد فیلیپین، بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از خانوارهای فیلیپینی و تخمین فرم حل شده معادلات به دست آمده، نشان دادند که مخارج دولت همانند پدیده‌های ناخوشایند دیگر چون تورم و بیکاری منجر به بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. همچنین بهره‌وری، نرخ واقعی بهره و نرخ واقعی ارز به بهبود این توزیع کمک می‌رسانند.

باست، بورکت و پاترمن<sup>۱۳</sup> (Bassett, Burkett & Putterman) در پژوهشی نظری و تجربی، توزیع درآمد و نقش سیاسی دولت را مورد بررسی قرار دادند. آنان دو تئوری تناوبی انتقال و توزیع که اثرگذاری سیاسی دولت را مرتبط به تعیین درآمد نشان می‌دهد، معرفی کرده و از این رو برای دولت اثرگذاری قابل توجهی را در فرآیند توزیع قائل می‌شوند.

چو، داودی و گوپتا<sup>۱۴</sup> (Chu, Davoodi & Gupta) در تحقیقی توسط روش داده تابلویی (Panel data) با مقایسه داده‌های برخی از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار در سه دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، به ارتباط سیاست‌های هزینه‌ای دولت با توزیع درآمد پرداخته و در آن به موارد و علل ضعف دولت در استفاده از مالیات‌ها در جهت رفع نابرابری‌های درآمدی اشاره نموده‌اند.

ژوبین، لی و کلونین<sup>۱۵</sup> (Xiaobin, Li & Kelvin) از اساتید دانشگاه هنگ کنگ، با انجام تحقیقات گسترده بر روی اقتصاد هنگ کنگ در نهایت بدین نتیجه رسیدند که در غیاب فعالیت‌های ضروری و مناسب دولت بهبود توزیع درآمد در جامعه امکان‌پذیر نیست.

لی<sup>۱۶</sup> (LCC) در یک پژوهش سیاسی-اقتصادی به رابطه اندازه و ساختار بخش عمومی با نابرابری‌های درآمدی اشاره داشته و برای دولت نقش حاکمیتی برجسته‌ای را در بهبود توزیع قائل شده است. او که این نتایج را به روش داده تابلویی از مطالعه وضعیت ۶۴ کشور توسعه یافته و در حال توسعه، به کمک ۳۴۱ مشاهده برای حدفواصل سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۹۴ به دست آورده؛ گسترش بخش عمومی را تنها در سایه یک دولت دموکراتیک، مفید بحال نظام توزیع درآمد دانسته است.

همانگونه که ملاحظه شد هیچکدام از این تحقیقات، به اثرپذیری توزیع درآمد از اندازه دولت در اقتصاد به تفکیک دو بُعد تصدیگری و حاکمیتی، مشابه آنچه ما قصد داریم در اینجا نشان دهیم، نپرداخته‌اند.

#### ۱-۵. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

این مجموعه مقوله توزیع درآمد را به عنوان یکی از معیارهای عدالت اقتصادی، با واکاوی نقش اندازه دولت در آن به تفکیک نقش حاکمیتی و تصدیگری مورد کنکاش و بررسی قرار داده؛ که این نوع نگاه کمتر دارای سابقه بوده و در نوع خود یک نوآوری محسوب می‌شود.

علاوه بر این با توجه به مطرح بودن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، این نوع بررسی مقتضای فضای امروز اقتصاد کشور بوده و نیز به یکی از مهمترین اهداف یک دولت اسلامی که همان عدالت اقتصادی باشد، می‌پردازد. در واقع این تحقیق به دو مقوله بسیار مهم اقتصادی در زمان حاضر یعنی گستره دخالت دولت و عدالت اقتصادی توأمان با هم توجه دارد.

#### ۱-۶. روش انجام تحقیق

بخش اول این مجموعه در روش‌شناسی تحقیقات، یک تحقیق نظری است که در برخی از موارد مانند بررسی نظریات عدالت اقتصادی و نیز بررسی جایگاه و نقشی که دولت و میزان اندازه آن در زمینه توزیع درآمد در نظام اقتصاد متعارف و نظام اقتصادی اسلام



## فصل ۱. کلیات □ ۲۵

دارد، جنبه کشفی و نیز تطبیقی دارد. در بخش دوم با گردآوری داده‌های آماری بر اساس شاخص‌های مطرح شده طی یک تحلیل رگرسیونی در پی کشف میزان اثرگذاری اقدامات انجام شده در زمینه تعدیل گستره دخالت دولت در ایران به تفکیک نقش حاکمیتی و تصدیگری، بر شاخص‌های توزیع درآمد به عنوان شاخصی از شاخص‌های عدالت اقتصادی است.

در حالت کلی این مجموعه، یک تحقیق تحلیل محتوایی است که بیشتر به روش کتابخانه‌ای تأکید داشته و داده‌های آن از میان داده‌های آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری شده است. همچنین در این تحقیق از بانک‌های اطلاعاتی، پژوهش‌های مرتبط، کتاب‌ها، مجلات و مقالات فارسی و لاتین اخذ شده از شبکه جهانی اینترنت استفاده گردیده است.

### ۱-۷. فرضیه‌های تحقیق

نظریه دولت در نظام اقتصادی اسلام، گستره دخالت دولت را در توزیع کارکردی و مقداری درآمد و عوامل تشدیدکننده نابرابری‌های درآمدی موثر می‌داند. کاهش اندازه دولت در بُعد تصدیگری و افزایش این اندازه در بُعد حاکمیتی منجر به بهبود توزیع درآمد و تقلیل سطوح نابرابری‌های درآمدی می‌گردد.

### ۱-۸. تقسیم‌بندی و معرفی فصل‌های تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق.

در این فصل به بیان ضرورت انجام تحقیق، اهداف، سؤالات اصلی، ادبیات موضوع، جنبه‌های نوآوری، روش انجام و فرضیه‌های تحقیق و در نهایت فصل‌بندی موضوعات پرداخته شده است.

فصل دوم: عدالت اقتصادی و توزیع درآمد.

این فصل از دو قسمت عمده تشکیل شده است. در قسمت اول، دسته‌بندی نظریات متداول عدالت اقتصادی و مفهوم عدالت اقتصادی از دیدگاه اندیشمندان شاخص غیراسلامی و اسلامی بیان می‌گردد.

در قسمت دوم به مقولهٔ توزیع درآمد پرداخته می‌شود. در این قسمت پس از تعریف درآمد و اهمیت توزیع عادلانهٔ آن، معیارهای این نوع توزیع از درآمد از دیدگاه اندیشمندان غیراسلامی ارائه شده و سپس نظریات توزیع درآمد در نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم طرح می‌گردد. در ادامه با پرداخت به این مقوله در نظام اقتصادی اسلام، ابتدا به نقد و بررسی معیارهای مطرح شده اقدام کرده سپس معیارهای اسلامی توزیع عادلانه را بیان و به معرفی نظام عادلانهٔ توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی از میان معیارهای استخراج شده می‌پردازیم.

فصل سوم: نقش و اندازه دولت در توزیع درآمد در اقتصاد متعارف.

این فصل به نوعی به مبانی نظری تحقیق در اقتصاد متعارف توجه دارد. به ظاهر شناخت این مبانی قبل از ورود به مباحث اسلامی لازم است.

در این فصل ابتدا به تعریفی از دخالت دولت می‌پردازیم، سپس گسترهٔ دخالت دولت در اقتصاد را در بین مکاتب اقتصادی مورد بررسی قرار خواهیم داد. در ادامه عوامل شکل‌دهنده و تشدیدکنندهٔ نابرابری‌های درآمدی را پیدا نموده و سپس بنیان نظری نقش دولت در چگونگی توزیع درآمد را در اقتصاد متعارف مورد شناخت قرار خواهیم داد.

فصل چهارم: دولت اسلامی و توزیع عادلانهٔ درآمد.

این فصل مهمترین فصل مبانی نظری تحقیق است. پس از آنکه در فصل دوم به شناخت مفهوم عدالت اقتصادی و توزیع عادلانهٔ درآمد دست یافتیم؛ و پس از آنکه در فصل سوم بنیان نظری اثرگذاری دولت در توزیع درآمد را در اقتصاد متعارف مورد شناسایی قرار دادیم؛ نوبت به آن می‌رسد که در فصل چهارم نقش و اندازهٔ دولت اسلامی را در شکل‌گیری نظام عادلانهٔ درآمد کشف نماییم.

در مقدمه این فصل، گستره دخالت دولت در اقتصاد را از منظر اقتصاد اسلامی شناسائی نموده و سپس نقش دولت در نظام توزیع را به دست خواهیم آورد. در قدم بعدی با به کارگیری مباحث عینی و کاربردی تر اقدامات و سیاست‌های لازم دولت اسلامی جهت برقراری توزیع عادلانه درآمد را بیان خواهیم کرد. انتظار آن است که با استفاده از این مباحث بتوانیم تفکیکی در فعالیت‌های دولت در دو نقش حاکمیتی و تصدیگری قائل شویم.

فصل پنجم: شاخص‌های توزیع درآمد و شاخص‌های اندازه‌گیری اندازه دولت. پس از آنکه در فصول گذشته به مبانی نظری تحقیق بطور کامل پرداخته شد، نوبت بدان می‌رسد که نتایج حاصل شده از این فصول را به بوته آزمایش در مدلی رگرسیونی قرار دهیم.

در این فصل قصد داریم در ابتدا شاخص‌های توزیع درآمد را معرفی کرده و سپس با تفکیک نقش حاکمیتی و تصدیگری دولت برای هر کدام یک از این دو نقش، شاخص‌های کمی را کشف نماییم.

فصل ششم: تحلیل رگرسیونی اثرات تعدیل اندازه دولت بر شاخص‌های توزیع درآمد.

در این فصل با کمک داده‌های آماری و شاخص‌های مطرح شده در فصل گذشته دست به یک تحقیق اقتصادسنجی با استفاده از مدل خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) و نرم‌افزار میکروفیت (Microfit) برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۴۸ خواهیم زد. در پایان این فصل، نتایج به دست آمده را با نتایج حاصله از مبانی نظری فصول اولیه تحقیق مورد مقایسه قرار خواهیم داد.

فصل هفتم: جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات.

در این فصل به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آنچه در فصول گذشته به دست آمده است پرداخته، و در انتها پیشنهادهایی را برای اقتصاد کشور ارائه خواهیم نمود.

## یادداشت‌ها

۱. مرتضی عطوفی‌نیا، «منطقی نمودن اندازه دولت در ایران، اندازه و وظایف دولت و رشد اقتصادی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳.
۲. نازلی بخشایش، «بررسی مقایسه‌ای عدالت اقتصادی در مکاتب مختلف و اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی دانشگاه الزهراء، استاد راهنما ایرج توتونچیان ۱۳۸۲.
۳. نعمت‌الله امانی، «جایگاه عدالت در نظام اقتصادی اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما غلامرضا مصباحی‌مقدم ۱۳۷۶.
۴. محمدرضا سجادی؛ «سیاست تعدیل اقتصادی و عدالت اجتماعی با تکیه بر برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۷۸)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، استاد راهنما احمد ساعی ۱۳۷۹.
۵. میثم پیله‌فروش، «شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن (مطالعه موردی استان قزوین)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، استاد راهنما کامران ندیری، ۱۳۸۴.
۶. سهیلا پروین و راضیه زیدی، «اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد: مطالعه موردی سیاست‌های برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. ۱۳۸۰ شماره ۵۸: ۱۴۶-۱۱۳.
۷. علی محمد احمدی و نادر مهرگان، تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه تحقیقات اقتصادی. ۱۳۸۴، شماره ۷۰.
۸. پرویز داودی و محمدعلی براتی، بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازگانی، سال یازدهم، ۱۳۸۶، شماره ۴۳: ۲۸۳-۳۲۲.
9. Bergstrom, Ted. "Do Governments Spend Too Much?" National Tax Journal. Washington: Vol. 32, Jun. 1979, Iss2: 81.
10. Hicks, Alexander, Swank Duane H. "Government Redistribution in Rich Capitalist Democracies." Policy Studies Journal 1984, 13(2): 265-86.
11. Bollen, Kenneth A., Jackman Robert W. "Political Democracy and the Size Distribution of Income." American Sociological Review, 1985, Vol.50, No.4: 438-57.
12. Blejer Mario I., Guerrero Isabel "The Impact of Macroeconomic Policies on Income Distribution: An Empirical Study of the Philippines", The

- 
- Review of Economics and Statistics, Published by: The MIT Press, 1990, Vol. 72, Aug. No.3: 414-423.
13. Bassett William F., Burkett John P., Putterman Louis. "Income distribution, government transfers, and the problem of unequal influence", European Journal of Political Economy, Volume 15, Jun. 1999, Issue 2: 207-228.
  14. Chu Ke-young, Davoodi Hamid, Gupta Sanjeev. "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries", IMF Working Paper, Mar. 2000, WP/00/62
  15. Xiaobin Zhao, Li Zhang, Kelvin Sit Tak O. "Income Inequalities under Economic Restructuring in Hong Kong", Asian Survey, Published by: University of California Press, 2004, Vol. 44, No. 3: 442-473
  16. Lee, Cheol-sung. "Income Inequality, Democracy, and Public Sector Size". American Sociological Review, 2005, Vol. 70, Feb. No.1: pp 158-181.



## عدالت اقتصادی و توزیع درآمد

از آنجا که برای شناخت نقش و اندازه دولت در توزیع درآمد نیازمند مبانی نظری هستیم، در این فصل ابتدا به مقوله عدالت اقتصادی می‌پردازیم تا با مطالعه و کاوشی در آرای متفکران و اندیشمندان به یک مفهوم جامع از عدالت اقتصادی دست یابیم. در این قسمت ابتدائی، پس از ارائه دسته‌بندی‌های عدالت اقتصادی، این مقوله را از نگاه اندیشمندان غیراسلامی و اسلامی مورد مذاقه قرار داده و از نتایج به دست آمده برای شکل‌دهی نظام عادلانه توزیع درآمد در قسمت دوم این فصل استفاده می‌شود.

قسمت دوم این فصل، نظام عادلانه توزیع درآمد را نشان داده و مفاهیم برگرفته از بخش نخست این فصل را در قالب نظام توزیع به بحث و بررسی می‌گذارد. در این قسمت پس از تعریف درآمد و اهمیت توزیع عادلانه آن، معیارهای این نوع توزیع از درآمد از دیدگاه اندیشمندان غیراسلامی ارائه شده و سپس نظریات توزیع درآمد در نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم طرح می‌گردد. در ادامه با پرداخت به این مقوله در نظام اقتصادی اسلام، ابتدا به نقد و بررسی معیارهای مطرح شده اقدام کرده سپس معیارهای اسلامی توزیع عادلانه را بیان و به معرفی نظام عادلانه توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی از میان معیارهای استخراج شده می‌پردازیم. کلیه مطالب و نتایج این فصل راهنمای ما در ادامه مسیر فصول آتی است.

## ۲-۱. عدالت اقتصادی

از میان انواع عدالت، عدالت سیاسی، عدالت قضائی، عدالت اخلاقی و عدالت اداری، آنچه برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار است، عدالت اقتصادی است؛ چرا که این نوع عدالت، زمینه‌ساز انواع دیگر عدالت است. امروزه پایه‌ای‌ترین موضوع اقتصاد هنجاری (Normative economics) موضوع عدالت اقتصادی است که یکی از مهمترین بخش‌های آن را، عدالت توزیعی در بر می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که عدالت اقتصادی که گاهی با عدالت توزیعی یکی انگاشته می‌شود هم اصلی‌ترین بخش عدالت است و هم محوری‌ترین بخش اقتصاد هنجاری<sup>۱</sup>.

این فصل شامل دو قسمت عمده است: عدالت اقتصادی و توزیع درآمد.

در قسمت اول، در ابتدا دسته‌بندی‌های انجام شده در مورد مفهوم عدالت اقتصادی بیان می‌شود، سپس به واکاوی نظریات عدالت اقتصادی از دیدگاه اندیشمندان غیر اسلامی و اسلامی می‌پردازیم. قسمت دوم به مقوله توزیع درآمد اختصاص دارد. در این بخش این مبحث را از جهات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یادآور می‌شویم که مباحث این فصل، به عنوان مبنا و پایه نظری برای فصل سوم و چهارم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱-۱. دسته‌بندی‌های نظریات عدالت اقتصادی

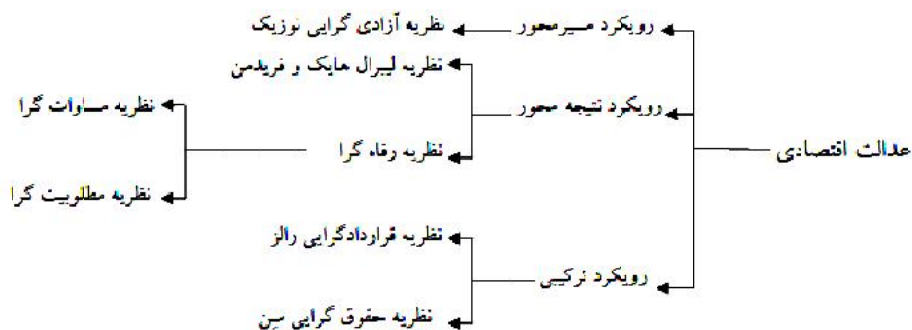
یک دسته‌بندی، دسته‌بندی برایان بری (Brian Barry) در کتاب نظریات عدالت اجتماعی است که دو دسته را معرفی می‌کند: یک دسته نظریات بی‌طرفی و دسته دوم، نظریات منفعت متقابل است. براساس دسته اول، وضعیت اقتصادی عادلانه است که قواعد و اصول آن بی‌طرفانه باشد. براساس دسته دوم، وضعیت اقتصادی عادلانه است که تمامی طرف‌ها از قاعده اقتصادی، موجود، نفع ببرند<sup>۱</sup>.

دسته‌بندی دیگر سه جریان مهم را در نظریات عدالت اقتصادی برجسته می‌کند: آزادی‌گرائی (Libertinism)، قراردادگرائی (Contractarianism) و مطلوبیست‌گرائی (Utilitarianism). در این تقسیم‌بندی، نوزیک (Nozick) نماینده جریان آزادی‌گرائی،



راولز (Rawls) نماینده قراردادگرایی جدید و هارسانی (Harsanyi) نماینده و احیاگر مطلوبیت‌گرایی جدید معرفی می‌شوند.<sup>۳</sup>

دسته‌بندی دیگر سه رویکرد را برای عدالت اقتصادی مدرن قائل است که در نمودار (۱-۲) نشان داده شده است:<sup>۴</sup>



نمودار (۱-۲) یک نوع دسته‌بندی برای عدالت اقتصادی

نظریات آزادی‌گرایی، بعنوان شاخص‌ترین نظریات مبتنی بر مسیر، در برابر محدودیت‌های آزادی فردی و رقابت و مالکیت، به شدت مقاومت از خود نشان می‌دهد و در مقابل از دولت می‌خواهد که از نقش پاسبان شبگرد پا فراتر نگذارد. این دسته، هیچ سهمی را برای سیاست‌های بازتوزیعی ثروت و درآمد قائل نیستند. اینان بر این باورند که برای تحقق عدالت، باید رویه‌های اقتصادی را آزاد و رقابتی بگذاریم.<sup>۵</sup>

از آنجا که هایک (Hayek) و فریدمن (Friedman) عمدتاً به اصول اقتصادی و وجه عمل‌گرایانه آن پرداخته‌اند، پس می‌توان آنان را در رویکرد نتیجه‌محور جای داد.

رفاه‌گرایی شامل تمامی نظریاتی است که به دنبال ارزیابی موقعیت عمومی یک جامعه از جمله توزیع درآمد بر اساس رفاه افراد آن جامعه است.<sup>۶</sup>

نظریه رفاه‌گرایان به دو دسته نظریه مساوات‌گرایی و نظریه مطلوبیت‌گرایی تقسیم می‌شود. دسته اول، عدالت رفاهی را در وضعیتی می‌داند که نتیجه نظام اقتصادی، برابری برخورداری افراد جامعه باشد، دسته دوم نیز این را برای وقتی می‌داند که مجموع

مطلوبیت افراد به بالاترین سطح خود برسد. رویکرد ترکیبی نیز از هر دو رویکرد قبلی نشأت گرفته است.

دسته‌بندی دیگر که از جامعیت نسبی خوبی برخوردار است توسط جیمز کانو (James Konow) انجام پذیرفته است. او چهار دسته کلی را برای نظریات عدالت اقتصادی جدا می‌کند:<sup>۷</sup>

دسته اول؛ برابری و نیاز: این دسته دغدغه رفاه پایین‌ترین طبقه جامعه را دارد و طبق اصل نیاز که به دنبال ارضای برابر نیازهای اولیه است، شکل گرفته است. این دسته نظریاتی چون: تساوی طلبی، قرارداد اجتماعی (راولز) و مارکسیسم را شامل می‌شود. دسته دوم؛ مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه: این دسته بر نتیجه و عاقبت تأکید داشته و قرابت خاصی با اصل کارآمدی که از حداکثرسازی مازاد دفاع می‌کند، دارد. نظریات مطلوبیت‌گرایی، اصول پاراتو، عدالت به معنای حداکثرسازی ثروت (wealth maximization)، وضعیت خالی از رشک (envy free) و حسادت در این دسته جای می‌گیرند.

دسته سوم؛ انصاف و استحقاق: این دسته بر اساس تناسب و مسئولیت فردی بوده و شامل نظریه انصاف، نظریه استحقاق و نظریه رابرت نوزیک است.

دسته چهارم؛ موقعیت و زمینه: این دسته یک نگاه مشروط به عدالت دارد و آن را یک فرمول ثابت برای همه جوامع نمی‌داند بلکه معتقد است بنا بر شرایط اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی در هر جامعه، عدالت یک معنا و مفهوم خاصی دارد. عدالت یک مفهوم بسته نیست بلکه مفهومی وابسته به شرایط و حالات است. این حرف بدین معنا نیست که عدالت، اصول مبنائی ندارد بلکه بدین معناست که اصول عدالت براساس ویژگی‌های افراد و متغیرهای کلان در هر جامعه شکل می‌گیرد. نظریات کانمان (Kahneman) و نتسچ (Knetsch) و ثیلر (Thaler) همچنین دانشمندان عدالت محلی، نظریه والزر (Walzer) و نظریه خالی از سرزنش (blame free) در این دسته جای می‌گیرد.

نظریات اندیشمندان شاخص این دسته‌ها، در بخش بعدی بیان می‌شود اما جای دارد در اینجا به سه وضعیت اشاره شود:

- اصول پاراتو؛ فقط تغییراتی تأیید شده هستند که وضع یک نفر را بهتر کند در حالی که وضعیت بقیه بدتر نشود. البته این اصول تنها شرایط انتخاب یک سیاست بهینه را بیان می‌کند و طرح کاملی برای تخصیص درآمد ارائه نمی‌کند.

- وضعیت خالی از رشک و حسادت: یک تخصیص عادلانه، خالی از حسادت است و این زمانی روی می‌دهد که هیچ فردی سبد داشته‌های دیگری را ترجیح ندهد.

- وضعیت خالی از سرزنش: توزیعی عادلانه است که هیچ کس نتواند دیگری را به خاطر اعمالی که در توزیع انجام داده است سرزنش کند. عدالت در این نظریه، امری ثرفی است و هر کسی پس از توزیع، معترف این نکته است که آنچه که فلان شخص دارد، حقش است و جای سرزنشی وجود ندارد.

دسته‌بندی آخر که در اینجا ارائه می‌شود عدالت را از لحاظ سودمندی‌شان طبقه‌بندی می‌کند.<sup>۱</sup>

دیدگاه اول: عدالت از آن جهت مطلوب است که تبعات و نتایج ستمگری و ظلم را کاهش می‌دهد. در این دیدگاه آخرین راه حل و چاره برای اجتناب از پیامدهای خطرناک ظلم در جامعه، عدالت است. عدالت در اینجا بالذات مورد توجه نیست و در صورتی که امکان اجتناب از پیامدهای سوء بی‌عدالتی از طریق دیگری وجود داشته باشد، الزامی به برقراری خود عدالت دیده نمی‌شود.

دیدگاه دوم: عدالت از آن جهت مطلوب است که سودمندی نسبی به همراه دارد و باعث بهبود وضع زندگی و گردش سهل‌تر امور جامعه می‌شود. عدالت در این دیدگاه نیز یک جنبه حاشیه‌ای دارد و در مراحل بعدی پس از توسعه، بدان توجه می‌شود. از این‌رو در صورت تزاحم با توسعه، به کناری گذاشته می‌شود چرا که عدالت اصل نیست بلکه ابزاری برای رسیدن به منفعتهای و سودمندی‌ها است.

دیدگاه سوم: این دیدگاه عدالت را بنیان و اساس غیر قابل اجتنابی می‌داند که بدون آن جامعه امکان استواری و قوام ندارد. عدالت ساختاری در این دیدگاه نه نقش ایوان